

الگوی تربیتی قرآن کریم در مواجهه با مخالفان و دشمنان (مطالعه موردی آیه ۱۰۸ سوره انعام)

سمیرا قربانخانی^۱

علی اسودی^۲

چکیده

اهتمام به مسأله تربیت، موجب شکوفایی و بهبود کیفیت روابط انسان‌ها با دیگران می‌شود. از منظر قرآن کریم برقراری ارتباط صحیح، نشانه ادب، شعور و کمال انسانی است. آیه ۱۰۸ سوره انعام راهکاری تربیتی در عرصه تعاملات بشری ارائه می‌دهد که با تبیین آن می‌توان گامی در ترسیم الگوی تربیتی قرآنی برداشت. این آیه در مقام تبیین رفتار اجتماعی، الگویی را ارائه می‌کند که با پشتوانه آن می‌توان رفتار، باور و نگرش را در حوزه ارتباط با مخالفان و دشمنان تغییر داده و به تعامل با آنها، رنگی الهی همراه با آرامش و کامیابی بخشید. بر پایه این آیه، دشنام و بی‌عفتی در سخن، زینده هیچ انسانی اعم از مسلمان و غیر مسلمان نیست؛ چراکه با تحریک احساسات منفی، زمینه دشمنی، کینه‌توزی و انتقام‌جویی در حوزه فردی و اعتقادی، فراهم می‌شود. به همین دلیل ممنوعیت سبّ به عنوان قاعده اساسی این آیه و گفت‌وگو و مدارا به عنوان راهکار مواجهه از آیات دیگر قرآن کریم فهمیده می‌شود.

واژگان کلیدی

سبّ مقدّسات دشمن، لعن، فحش، تربیت اجتماعی و سیاسی، معارف قرآن

۱. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآنی، مجتمع علوم اسلامی کوثر تهران، jadehbarani@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه خوارزمی تهران، asvadi@khu.ac.ir

درآمد

قرآن، کتابی است راهنمای بشر و رساننده او به سعادت دنیا و آخرت. این کتاب آسمانی با تأکید بر اجتماعی بودن انسان^۳ او را به رعایت ادب و به کار بردن الفاظ طیب، محکم و لین^۴ تشویق کرده و از فحاشی، بر حذر می‌دارد. ناسزاگویی افزون بر اینکه روابط اجتماعی و سیاسی را دچار آسیب می‌نماید، سبب می‌شود که اعتبار و شخصیت افراد، زیر سؤال رفته و در نهایت، محکوم به ضعف شخصیتی و تنهایی یا انزوا گردد.

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی بر آن است تا با استناد به آیه «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»^۵ عفت در گفتار را حتی در برابر دشمن، به‌عنوان یک مهارت تربیتی و نشانه تعالی شخصیتی مطرح نماید. این آیه با برشمردن تبعات ناسزاگویی، از آن نهی کرده است؛ زیرا سخن ناسزا زمینه جسارتی فروتر را در دشمن ایجاد می‌کند و این فضا مورد پسند قرآن کریم نیست.

بررسی صورت گرفته، نشان می‌دهد که پژوهش مستقلی در موضوع مورد نظر انجام نشده است. اما نگاشته‌هایی مرتبط با این موضوع، وجود دارد که برخی از آنها چنین است:

- مقاله «سب و فحاشی در فقه (با بررسی آیه ۱۰۸ سوره انعام)» نوشته ناهید دهقان عقیقی، فصلنامه مطالعات قرآنی (۱۳۹۹)، نگارنده در این مقاله به بحث «سب» از نظر فقهی پرداخته و حرمت دشنام به مخالفان را با استناد به آیه ۱۰۸ سوره انعام اثبات کرده است.
- مقاله «ماهیت و حکم توهین به مقدّسات سایر مسلمانان» نوشته مهدی درگاهی، پژوهشنامه حج و زیارت (۱۳۹۹)، در این مقاله نویسنده به بررسی عوامل توهین به مقدّسات مسلمانان پرداخته است؛ سپس با ذکر مصادیق و حکم سب در فقه اسلامی، حرمت دشنام‌دادن را استنباط کرده است.

الگوی تربیتی قرآن کریم در مواجهه با مخالفان و دشمنان (مطالعه موردی آیه ۱۰۸ سوره انعام)

۳. الحجرات، ۱۳: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَ أَعْلَمُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.

۴. الحج، ۲۴: «وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ» و النساء، ۶۳: «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا.» و طه، ۴۴: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى.»

۵. الانعام، ۱۰۸.

مقاله «واکاوی فقهی مقابله به مثل در ناسزا» نوشته هادی همّتیان و دیگران، مجله پژوهش‌های فقهی (۱۳۹۹)، نگارندگان در این مقاله به روش اجتهادی به بررسی حکم فقهی مقابله به مثل کردن در ناسزاگویی پرداخته‌اند؛ سپس با بررسی نظرات فقیهان به این نتیجه رسیده‌اند که مقابله به مثل در ناسزاگویی، حرام است.

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با رویکردی اجتماعی و تربیتی به تفسیر آیه ۱۰۸ سوره انعام پرداخته شود و ضمن ارائه راهکار مواجهه با مخالفان، بازخوردهای منفی ناسزاگویی در ارتباطات تبیین گردد. از این منظر می‌توان به ناشایستگی «سب» در تعالی تربیت اخلاقی و حفظ شخصیت انسانی در تعاملات اجتماعی و سیاسی دست یافت.

الف) مفهوم‌شناسی

فهم دقیق از متن، زمانی ميسر است که خواننده، مفهومی دقیق از واژگان را بداند. از این رو لازم است که معانی دقیق واژگان اصلی، تبیین گردد.

۱. تربیت

واژه «تربیت» در لغت به معنای تغییر و تحوّل تدریجی رو به کمال^۶ و توّرم همراه با زیادشدن^۷ است و در اصطلاح به پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی‌ای که بالقوه در یک شیء وجود دارد، اطلاق می‌گردد.^۸ برخی نیز «تربیت» را به معنای عملی دانسته‌اند که قوای جسمانی، روانی و عقلی انسان را شکوفا سازد تا آن قوا با نظام و سازمان ویژه‌ای با استمداد از درون و به‌مدد کوشش‌های او به میزان توانایی و استعدادهای خود، رشد و پیشرفت نماید.^۹

۲. اخلاق

واژه «اخلاق» جمع «خُلُق» و «خُلُق» به معنای سرشت، سنجیه و طبیعت است^{۱۰} و در اصطلاح به صفاتی که در جان آدمی، ثابت، پایدار و راسخ شده، به گونه‌ای که رفتار متناسب با آن به سهولت صادر شود، اطلاق می‌گردد.^{۱۱}

۶. مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۳۶.

۷. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۳۵.

۸. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۲، ص ۵۵۱.

۹. ن. کذ اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۰.

۱۰. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۸۶.

۱۱. ن. کذ جامع السعادات، ج ۱، ص ۵۵.

تربیت اخلاقی، فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان بر اساس ویژگی‌های انسان کامل و از بین بردن رفتارها، صفات و آداب غیر اخلاقی در خود یا دیگران است.^{۱۲}

از این رو تربیت اخلاقی دو رکن دارد: یکی، شناخت فضایل و رذایل و رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی و دیگری به کارگیری شیوه‌هایی برای تقویت یا تضعیف آنها. اگرچه در تعریف علم اخلاق نیز این دو نکته وجود دارد؛ اما تفاوت تربیت اخلاقی با علم اخلاق در این است که راهبرد تربیت اخلاقی، ناظر بر دیگرسازی است؛ اما علم اخلاق بیشتر بر خودسازی تکیه دارد.^{۱۳}

۳. سَب

واژه «سَب» در لغت به معنای ناسزاگویی، دشنام‌دادن^{۱۴} و فحاشی^{۱۵} است و در اصطلاح به معنی محدود کردن و محصور نمودن آزادی دیگری است. از مصادیق سب، بدگویی، ناسزاگویی و سخن زشت است که مقام و مرتبه افراد را از بین ببرد.^{۱۶} بر اساس این تعاریف «سَب» به معنای هر عمل توهین‌آمیزی است که موجب ناراحتی و تخریب شخصیت افراد شود و ناسزاگویی به معنای به کار بردن الفاظ زشت و قبیح در گفت‌وگوهاست.

۴. تفاوت سَب و لعن

«سَب» و «لعن» دو مقوله جداگانه‌اند که هر یک بر معنای خاصی دلالت می‌کنند. به طور مثال لغویان «سَب» را به معنی شتم و کلام زشت و «لعن» را به معنی طرد و دورگرداندن از رحمت الهی دانسته‌اند.^{۱۷} در فرهنگ قرآن و سنت هم فرق این دو کاملاً آشکار است. «سَب» در قرآن کریم یکبار در آیه ۱۰۸ سوره انعام^{۱۸} به کار رفته که به معنای گشودن زبان به سخن قبیح است. این در حالی است که مشتقات «لعن» در قرآن و سنت بسیار به کار رفته است. ماده «لعن» و مشتقات آن ۳۸ بار در قرآن کریم آمده که ۳۷ بار نسبت به خداوند و یکبار نسبت به مردم به کار رفته است. به عنوان نمونه، کافران،

۱۲. تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن، ص ۱۷۱.

۱۳. ن. ک: سیره تربیت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۵۴.

۱۴. لسان العرب، ج ۱، ص ۴۵۵.

۱۵. مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۹۱.

۱۶. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۱۲۵.

۱۷. مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۵۱.

۱۸. «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

ظالمان، منافقان و آزاررسانان به خدا و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و آنانی که از روی عمد، قتل نفس کرده‌اند و کسانی که حقایق را کتمان و امر را بر مردم مشتبه می‌سازند،^{۱۹} مشمول لعن خداوند و دیگر لعن‌کنندگان قرار گرفته‌اند. در سنت هم ده‌ها حدیث یافت می‌شود که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مشرکان، منافقان و دشمنان رسالت را لعن کرده‌اند.^{۲۰} همه این موارد دلالت دارد که «لعن» قُبْح ذاتی نداشته و حتّی در برخی از موارد، مطلوبیت شرعی دارد. این در حالی است که «سَب» در همه موارد با استناد به آیه ۱۰۸ سوره انعام نکوهیده است.

ب) عوامل ناسزاگویی در گفتار

ناسزاگویی به‌عنوان یک رفتار ضدّ هنجار است که می‌تواند ناشی از یأس و ناامیدی، ناکامی و گاهی سرگرمی و لذّت‌جویی باشد. این رفتار در اشکال متنوّع «خسونت کلامی» و «تخریب شخصیت» نمود می‌یابد.^{۲۱} با استناد به روایات می‌توان فحاشی را از نشانه‌های شرک شیطانی دانست:

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ مِنْ عِلَامَاتِ شَرِكِ الشَّيْطَانِ الَّذِي لَا يُشَكُّ فِيهِ أَنْ يَكُونَ فَحَّاشًا لَا يُبَالِي مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ فِيهِ.^{۲۲}

از نشانه‌های شرک شیطان که هیچ تردیدی در شیطانی‌بودن آن نیست، این است که شخص، دشنام‌دهنده‌ای باشد که هیچ اهمیتی به آنچه می‌گوید و یا در مورد او می‌گویند، نمی‌دهد.

انسان‌ها تا زمانی که از مدار انسانیت دور نشده‌اند، از به زبان آوردن الفاظ زشت امتناع می‌کنند؛ اما با دور شدن از این مدار، بیان چنین الفاظی برایشان عادی می‌شود. جامعه‌شناسان نیز ناسزاگویی را به‌عنوان یک کنش ضدّ هنجار، در ساختار فیزیکی و فرهنگی جامعه قلمداد کرده‌اند؛^{۲۳} چراکه خسونت‌های کلامی، گاهی آثاری مخرب‌تر از خسونت‌های فیزیکی دارد.

ناسزاگویی نزد افرادی که دارای ضعف شخصیتی هستند، ابزاری برای حمله به عقیده، دین، چهره و زبان افراد است تا اینگونه، فرد مقابل خویش را تحقیر کرده و بر او مسلط شوند. گاهی دفاع از عقاید، توجیه ناسزاگویی می‌شود؛ اما نکته قابل تأمل این است که با دشنام‌دادن نمی‌توان کسی را از مسیر

۱۹. هود، ۱۰. التوبة، ۶۸. الاحزاب، ۵۷. النساء، ۹۳. البقرة، ۱۵۹. النور، ۶ - ۹.

۲۰. ن. کت بررسی قرآنی - روایی سَب و لعن، ص ۱۵.

۲۱. ن. کت مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به خسونت در شهر سرابله، ص ۱۰.

۲۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲۳. ن. کت جامعه‌شناسی کج‌روی، ص ۴۳۳.

غلط، باز داشت؛ بلکه تعصب شدید آمیخته با جهالت در برخی از افراد، سبب می‌شود که آنها با لجابت، در عقیده خویش راسخ‌تر شوند و الفاظی زشت‌تر به زبان بیاورند تا جایی که به ساحت مقدس خداوند نیز توهین کنند.^{۲۴}

منشأ ناسزاگویی در گفتار، گرایش به پستی و حقارت است که به هیچ عنوان، مورد رضای الهی نیست و سرانجامی جز سقوط، برای انسان نخواهد داشت. این رفتار، احساسات طرف مقابل را به شدت تحریک کرده و حس انتقام‌جویی را در او پدید می‌آورد و یا تشدید می‌کند. همچنین دشنام‌دهی، قدرت تعقل و اندیشه را از دشنام‌دهنده می‌گیرد و او را در حالت اضطراب روحی - روانی قرار می‌دهد.

ج) تبیین و تفسیر آیه ۱۰۸ سوره انعام

انسان موجودی اجتماعی است که در تعامل با دیگران، پیام‌ها و نیازهای خود را انتقال می‌دهد. آنچه اهمیت دارد بهره‌گیری از الگوها و شیوه‌هایی است که با مبانی و پیش‌فرض‌های صحیح، روابط را به‌سوی کارآمدی و رضایت الهی سوق دهد.

قرآن کریم به‌عنوان کتاب الهی و هادی انسان‌ها، به این مسأله توجه کرده و در آیه ۱۰۸ سوره انعام می‌فرماید:

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ
كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ.^{۲۵}

درباره شأن نزول این آیه، سخنان متعددی گفته شده است. با توجه با اینکه غالب مفسران پیرو لغت، «سَبَّ» را به‌معنای دشنام دانسته‌اند، این شأن نزول قوی‌تر به نظر می‌رسد:

مسلمانان بت‌های کافران را دشنام می‌دادند و کافران نیز دشنام آن‌ها را با دشنام پاسخ می‌دادند؛ از این رو خداوند، مسلمانان را از تحریک‌کردن آن مردم نادان، نهی و حرمت سَبَّ را اعلام نمود.^{۲۶}

۲۴. ن. که تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۹۴.

۲۵. و آنهایی را که جز خدا می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی (و) به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد. این‌گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم. آنگاه بازگشت آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود و ایشان را از آنچه انجام می‌دادند آگاه خواهد ساخت.

۲۶. زاد المسیر، ج ۲، ص ۶۵.

این آیه یکی از آداب دینی را خاطر نشان ساخته که با رعایت آن، احترام به مقدّسات دینی محفوظ می ماند و دست خوش اهانت، ناسزا و سخریه نمی شود.^{۳۷} ناسزاگویی یکی از مصادیق بی ادبی در گفتار است که به شدّت از جایگاه و منزلت فرد، نزد مخاطب می کاهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با نپهی شدید از دشنام دادن می فرمایند:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشِرَارِ رِجَالِكُمْ؟ ... إِنَّ مِنْ شِرَارِ رِجَالِكُمُ الْبَهَّاتِ
الْجَرِيءِ الْفَحَّاشِ.^{۳۸}

آیا شما را از بدترین مردانتان آگاه نسازم؟ ... از بدترین مردان شما کسی است که تهمت زن، بد اخلاق، بد زبان و دشنام گو باشد.

هر چند تعبیر «بَغِيرِ عِلْمٍ» در آیه، نشان می دهد که اگر طرف مقابل، دانا باشد، در برابر سب، سب نمی کند؛^{۳۹} ولی به هر حال، دو نفری که دارای جایگاه اجتماعی متفاوتی هستند و به یکدیگر دشنام می دهند، مرتبه خود را به اندازه فرد پایین تر از خویش، پایین می آورند.^{۳۰} تأکید قرآن کریم بر رعایت عفت سخن حتّی در برابر مخالفان و شرکان، از آن روست که ناسزاگویی، روابط بین افراد را تخریب کرده و احتمال هدایت را بسیار کاهش داده و یا به صفر می رساند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَحَّاشٍ بَدِيءٍ، قَلِيلِ الْحَيَاءِ، لَا يُيَالِي مَا
قَالَ.^{۳۱}

خداوند بهشت را بر هر دشنام دهنده بدزبانی که کم حیاست و هیچ اهمیتی به آنچه می گوید و یا در مورد او می گویند، نمی دهد.

نکته اخلاقی و تربیتی مهم در آیه ۱۰۸ انعام این است که هیچ فردی حتّی با وجود حق بودن، نمی تواند به وسیله فحاشی، از حقّ دینی خویش دفاع نماید و بحث کردن با افراد هر چند مخالف و دشمن،

۲۷. ن. کة المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۱۴.

۲۸. الکافی، ج ۲، ص ۲۹۲.

۲۹. ن. کة تفسیر احسن الحدیث، ج ۳، ص ۲۸۹.

۳۰. ن. کة تفسیر آسان، ج ۵، ص ۶۷.

۳۱. الکافی، ج ۴، ص ۸.

باید با اقامه دلیل باشد نه با دشنام.^{۳۲} انسان به صورت فطری از شخصیت و ارزش‌های خویش دفاع می‌کند. از این رو تجاوز به مقدّسات خویش را نمی‌پذیرد و اگر خشم او تحریک شود، وی نیز به مقدّسات طرف مقابل اهانت خواهد کرد.^{۳۳} این روش، تنها کینه‌ها را افزون می‌کند و راه را بر تعامل و امکان هدایت می‌بندد.

از سوی دیگر، تألیف قلوب یکی از روش‌های اسلام برای هدایت است. در این شیوه، با نرمی و رعایت ادب و احترام، افکار و قلوب مخالفان، جذب شده سپس با تحقّق اُفت، زمینه آشنایی آنها با حقایق، فراهم می‌شود. این راه برای برداشتن حجاب لجاجت و ناآگاهی کارگشاست.^{۳۴}

آیه ۱۰۸ سوره انعام در گام نخست، افراد را از «سب» بر حذر می‌دارد. سپس عِلّت آن را حفظ حریم مقدّسات مسلمانان به جهت مقابله به مثل کافران می‌شمرد. در سوی مقابل، مسلمانان قدرتی برای مقابله با پرده‌داری کافران ندارند؛^{۳۵} از این رو، نباید زمینه را برای حمله به مقدّسات، فراهم کنند. با توجّه به تعلیل موجود در جمله «كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ» روشن می‌شود که آیه، تنها منحصر به عفت کلامی نیست؛ بلکه از هر عملی که در بردارنده توهین باشد، نهی می‌کند.^{۳۶}

این آیه با شیوه‌ای ظریف و روان‌شناسانه به چگونگی ارشاد جاهلان با زبانی نرم و پسندیده اشاره کرده و متذکّر می‌شود که اگر چه نهی از منکر از بزرگ‌ترین اعمال است، اما اگر به شر و معصیت منتهی شود، خود، یک منکر به حساب می‌آید.^{۳۷}

قرآن کریم، در گام دوم، فرضیه امکان‌نداشتن گفت‌وگو و بحث منطقی را مطرح می‌کند. در این فرض اگر مسلمانان یآوری نداشتند، مدارا می‌کنند؛ زیرا وجوب دفع ضرر، حکم عقل و شرع است.^{۳۸} آیه ۶۳ سوره فرقان می‌فرماید:

۳۲. ن. ک: تفسیر روان جاوید، ج ۲، ص ۳۶۷.

۳۳. ن. ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۰۶.

۳۴. ن. ک: تفسیر روشن، ج ۸، ص ۱۲۶.

۳۵. ن. ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۳۷.

۳۶. ن. ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۱۴.

۳۷. ن. ک: تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۴۰۲.

۳۸. ن. ک: تفسیر اثنی عشری، ج ۳، ص ۳۵۱.

وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا.^{۳۹}

این راهکار، صفتی از صفات مومنان را بازگو می‌کند که جز برای رضای خدا کاری انجام نمی‌دهند.^{۴۰} آیه ۱۰۸ سوره انعام، آزار روحی دشمن را با «سب» جایز ندانسته و آن را منطقه ممنوعه شمرده است. راهکار تکمیلی این آیه در سوره مبارکه نحل آمده که می‌فرماید:

أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِهِم بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.^{۴۱}

با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت‌یافتگان داناتر است. بر اساس این آیه، بهترین راه دعوت، «حکمت»، «موعظه حسنه» و «جدال احسن» است و خروج از این مسیر، چیزی جز افراط و متاثر شدن از هوای نفس نیست.

نتیجه

یکی از مهم‌ترین راه‌های هدایت، رعایت ادب و احترام است. هیچگاه دشنام‌دادن، موجب هدایت کسی نمی‌شود، بلکه او را به لجajt و مقابله به مثل وادار می‌کند. از این رو قرآن کریم انسان‌ها را از دشنام‌دادن به دشمنان، برحذر داشته است. آیه ۱۰۸ سوره انعام «سب» را ممنوع کرده و با این روش، جلو تشدید حسّ دشمنی، کینه، خشم و انتقام را گرفته است. در سوی مقابل، به دعوت با برهان، جدال احسن و مدارا حکم کرده است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. اسلام و تعلیم و تربیت، محمد باقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۳. انوار درخشان، سید محمد حسین حسینی همدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، اول، ۱۴۰۴ ق.

۳۹. و هنگامی که نادانان آنان را طرف خطاب قرار می‌دهند (در پاسخشان) سخنانی مسالمت‌آمیز می‌گویند.

۴۰. ن. کة المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۲۳۹.

۴۱. النحل، ۱۲۵.

۴. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵. التحقيق فی کلمات القرآن کریم، حسن مصطفوی، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۶. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی، تهران، انتشارات میقات، اول، ۱۳۶۳ش.
۷. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، بنیاد بعثت، سوم، ۱۳۷۷ش.
۸. تفسیر آسان، محمد جواد نجفی خمینی، تهران، انتشارات اسلامیة، اول، ۱۳۹۸ق.
۹. تفسیر جوامع الجامع، فضل بن حسن طبرسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، اول، ۱۳۷۷ش.
۱۰. تفسیر روان جاوید، محمد ثقفی تهرانی، تهران، برهان، سوم، ۱۳۹۸ق.
۱۱. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، مرکز نشر کتاب، اول، ۱۳۸۰ش.
۱۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۱۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷ش.
۱۴. جامعه‌شناسی کج‌روی، علی سلیمی و محمد داوری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶ش.
۱۵. زاد المسیر، عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۶. سیره تربیت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام، محمد داودی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش.
۱۷. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۸. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، تحقیق احمد فارس، بیروت، دار الانصار، سوم، ۱۱۴۱ق.
۱۹. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۰. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۸ش.
۲۱. المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، دمشق و بیروت، دار العلم و الدار الشامیه، اول، ۱۴۱۲ق.
۲۲. موفقیت در ارتباط، کول کریس، ترجمه وجیهه ابراهیمی، اصفهان، طرح جامع پارسیان، اول، ۱۳۸۳ش.
۲۳. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۴. مقاله «تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن»، علی همت بناری، روانشناسی و علوم تربیتی، ش ۲، ۱۳۷۹ش.
۲۵. پایان‌نامه «بررسی قرآنی - روایی سب و لعن»، زینب فرامرزی پلنگر، دانشکده الهیات و معارف اسلامی مازندران، کارشناسی ارشد، ۱۳۹۶ش.
۲۶. پایان‌نامه «مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به خشونت در شهر سرابله»، سعید مؤمنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، کارشناسی ارشد، ۱۳۸۸ش.